

اولین کتاب اقتصاد کلاسیک در ایران

اصول ثروت ملل

یعنی اکونومی پلیتیک

ترجمه و تألیف محمدعلی فروغی (ذکاءالملک)

مدرس علم سیاسی

۱۲۸۴ هجری خورشیدی

با مقدمه‌ای از

دکتر یداله دادگر



نشر آماره

سرشناسه	:	فروغی، محمدعلی، ۲۵۴ - ۳۲۱
عنوان و نام پدیدآور	:	اصول علم ثروت ملل یعنی اکثر رمی پلنک / تالیف و ترجمه محمدعلی فروغی ؛ با مقدمه‌ای از یداله دادگر.
مشخصات نشر	:	تهران : آماره، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	:	۳۵۲ ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۹۲۷۹۰-۰-۵
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
موضوع	:	اقتصاد
شناسه افزوده	:	دادگر، یدالله، ۱۳۳۴ - ، مقدمه نویسنده
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۱ ۴۶ ف ۲ / ۱۸۰ / HB
رده بندی دیویی	:	۳۳۰ / ۱
شماره کتابشناسی ملی	:	۲۸۷۸۵۲۶



نشر آماره

عنوان: اصول ثروت ملل یعنی اکونومی پلتیک

Title: Principle Of Nations Welth

ترجمه و تألیف: محمدعلی فروغی (ذکاءالملک)

Author & Translator: MohammadAli Foroooghi

شابک: ۵-۰-۹۲۷۹۰-۶۰۰-۹۷۸

ISBN: 978-600-92790-0-5

نوبت چاپ اول، ۱۳۹۴

The first edition published: 2016

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

Circulation: 1000 impression

هرگونه کپی برداری، اسکن، میکروفیلم جزناً یا کلاً بدون اجازه مکتوب نشر آماره ممنوع بوده و پیگرد قانونی دارد

No portion of this book may be reproduced, by any process or technique, without the express written consent of the publisher (Amareh press)

محتوای اصلی کتاب بازتاب اندیشه‌های پدیدآورنده توسط ناشر می‌باشد و مسئولیت درستی آن به عهده وی می‌باشد

The views expressed in this publication represent those of the individual author and Editor. These views do not necessarily reflect endorsement by the Publisher (Amareh press)

© تمامی حقوق چاپ و نشر برای نشر آماره محفوظ است

© ALL RIGHTS RESERVED: for the Amareh press

چاپ ایران - تهران

Printed in Iran-Tehran

تلفن مرکز نشر و پخش: ۹۱۲۷۹۰۱۴۶

نمایندگی فروش: تهران، خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه تهران بین دانشگاه و فخر رازی،

پلاک ۱۲۱۲، کتابفروشی انتشارات گوتنبرگ، تلفن: ۶۴۱۳۰۰۶ - ۲۱۰

پخش کتابیران: ۱۵-۶۶۵۶۶۵۱۰ پخش مهربان: ۲۶۶۰۰۶۶

www.nashreamareh.ir

nashreamareh@gmail.com

قیمت: ۱۹۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۷		مقدمه دکتر دادگر
۴۲		دیباجه فروغی
۴۵		مقدمه
۵۶		باب اول: تولید ثروت
۶۱		فصل اول: دخالت طبیعت در تولید ثروت
۷۰		فصل دوم: کار و صنعت
۱۱۳		فصل سیم: سرمایه
۱۳۶		باب دوم: توزیع ثروت
۱۴۰		قسمت اول
۱۴۰		فصل اول: مالکیت افراد و چگونگی احداث آن و فواید ثروتی آن
۱۴۹		فصل دوم: صحت مالکیت شخصی
۱۶۱		قسمت دوم
۱۶۱		فصل اول: سهم ملاک در توزیع ثروت
۱۶۹		فصل دوم: سهم صاحب سرمایه در توزیع ثروت
۱۷۶		فصل سیم: سهم متصدی در توزیع ثروت
۱۸۰		فصل چهارم: سهم کارگران در توزیع ثروت
۱۹۹		فصل پنجم: احتمالات آینده در ترتیب آزادی امور ثروتی

۲۰۶	باب سیم: دَوَران ثروت.....
۲۰۹	فصل اول: معاوضه و تحقیق در باب ارزش.....
۲۱۸	فصل دوم: پول.....
۲۳۸	فصل سیم: اعتبار.....
۲۷۱	فصل چهارم: تجارت.....
۲۹۸	باب چهارم: مصرف ثروت.....
۳۰۳	فصل اول: در خصوص عادات مردم در مصرف ثروت و اثر آن‌ها بر ترقی هیئت اجتماعی.....
	فصل دوم: در باب بعضی اداراتی که برای تشویق برخی مصارف ثروت دایر می‌شود از قبیل
۳۱۳	شرکت‌ها، فی صندوق‌های ذخیره و ادارات بیمه و ادارات برّیه.....
۳۲۸	باب پنجم: انشادهٔ قسین مالیاتی از علم ثروت.....
۳۲۹	فصل اول: دولت و تلفات و مخارج آن.....
۳۳۴	فصل دوم: تعریف مالیات.....
۳۴۹	خاتمه.....

مقدمه دکتر دادگر

پیام‌گیری کارساز از ابتدایی‌ترین درس‌های علم اقتصاد؛

به بهانه نگاشتن مقدمه‌ای بر کتاب: اصول ثروت ملل، اولین کتاب علم اقتصاد در ایران،

اثر زنده‌یاد محمدعلی فروغی

نخست جا دارد از جناب آقای نوع‌پرست مدیر محترم نشر آماره سپاسگزاری نمایم که از اینجانب درخواست نمودند تا به مناسبت بازچاپ کتاب ارزشمند «علم ثروت ملل اثر استاد محمدعلی فروغی (اولین کتاب علم اقتصاد در ایران) مقدمه‌ای بر آن کتاب بنگارم. دوم لازم است اشاره کنم که کتاب مربوطه بیش از ۱۱۰ سال است تدوین گردیده است (سال ۱۲۸۶ خورشیدی)، از این رو وقتی اینجانب به محتوای کتاب مربوطه دقت کردم به وضعیت «توقف» علم اقتصاد در کشور در هنگام نوشتن این مقدمه (سال ۲۰۱۵ میلادی یا ۱۳۹۴ خورشیدی) تاسف خوردم؛ زیرا چنین یافته‌های علمی عظیم و چنان اقتصاددان باکفایتی بیش از یک قرن پیش در رأس سیاست‌گذاری آموزش اقتصاد ایران وجود داشته، اما برنامه‌ریزان آموزشی و اقتصادی کشور با وجود فاصله بیش از یک قرن، هنوز به یک استراتژی روشن و قابل قبول در عرصه‌های مربوط به آموزش و پژوهش علم اقتصاد و نظام اقتصادی نرسیده‌اند. ناگوارتر آنکه با وجود میراث عمیق علم اقتصاد در آموزه‌های فرهنگی و ملی در عصرهای گذشته هنوز برخی در مورد کارایی،

اصالت و رسالت علم اقتصاد در ایران در تردید هستند (حتا برخی جناح‌های فکری دنبال تغییر و جایگزین کردن این علم بوده‌اند). خلاصه با ملاحظه این امور به فکر فرو رفتیم و به بهانه نوشتن مقدمه‌ای بر کار مرحوم فروغی، باکمک ابتدایی‌ترین اصول علم اقتصاد نوعی پیام‌گیری تدوین کردم. امیدوارم که مقدمه مربوطه تذکری باشد نسبت به قدرتمندان عرصه تصمیم‌گیری، آموزشی و اقتصادی، تا بجای تردید در بنیان‌های این علم انسانی، اجتماعی و اصیل (اقتصاد سیاسی)، پیوند معنی‌دار آن را با فرهنگ و تمدن ایرانی مورد توجه قرار دهند. قابل ذکر است که در مقدمه‌ای که مرحوم دکتر عظیمی (اقتصاددان برجسته ایرانی حدود ۱۸ سال پیش) بر چاپ مبلی حول علم ثروت ملل از مرحوم فروغی (چاپ سال ۱۳۷۷) نگاشته‌اند، مطالب عبرت‌آموز دیگری ذکر شده است. امید است مقدمه اینجانب بر چاپ فعلی (سال ۱۳۹۴)، مکملی بر مقدمه مذکور باشد. قبل از این مقدمه خود، مناسب می‌دانم توضیحی کوتاه پیرامون این اثر ارزشمند و نویسنده آن ارائه کنم.

کتاب اصول ثروت ملل (یا رواقع اصول اقتصاد سیاسی) اثر دانشمند معروف مرحوم میرزا محمدعلی‌خان ذکاء‌الملک معروف به فروغی می‌باشد. هر چند این کتاب درواقع نوعی ترجمه و نگارشی جدید از کتاب اصلی اقتصاد سیاسی اثر «پل بیورگارد»^۱ اقتصاددان و نویسنده فرانسوی می‌باشد، اما تدوین عالمانه مرحوم فروغی آن را به شکلی جدید بازنویسی کرده و به صورتی متنی مدرن و درسی در رشته اقتصاد قابل ارائه کرده است. در عین حال کتاب به سبکی سنتی ولی با محتوایی مدرن تنظیم گردیده است. این کتاب ۶ بخش (یا به تعبیر نویسنده ۵ باب) دارد که تولید، توزیع، مصرف، چرخه اقتصاد و دولت و مالیه را پررنگ می‌کند. این‌ها درواقع مهم‌ترین مباحث قائم به ذات علم اقتصاد و نظام اقتصادی هستند. این ۵ بخش در قالب ۱۷ فصل مهم‌ترین مطالب علم اقتصاد جدید (یا اقتصاد سیاسی) را تشکیل می‌دهند. در بخش اول (یا باب اول) که تولید ثروت نام دارد، علم اقتصاد سیاسی یا علم ثروت تعریف می‌شود. سپس به ارتباط علم اقتصاد با دیگر علوم انسانی و اجتماعی اشاره می‌شود. تولید ثروت و لوازم آن، نقش انسان و دیگر عوامل، جایگاه کار و نیروی انسانی در اقتصاد سیاسی، نقش عقلانیت نیروی انسانی در تولید ثروت، تقسیم کار و تشریح انواع صنایع مرتبط باکار، بحث فصل‌های اول و دوم کتاب (از بخش اول) را پوشش می‌دهند. فصل سوم از بخش اول به توصیف ابعاد مختلف سرمایه

می‌پردازد. تعریف سرمایه، انواع آن، نقش بشر و عقلانیت وی در ایجاد و کاربرد سرمایه، پس‌انداز و حفاظت از سرمایه، دیگر موضوعات فصل مربوطه می‌باشند. بخش دوم که به توزیع ثروت اختصاص دارد با محوریت مالکیت عوامل تولید و سهم عوامل مختلف تولید از محصولات، نقش دولت در توزیع، تعیین دستمزد، نقش عرضه و تقاضا، محوریت نیروی کار و شخصیت انسانی در توزیع، مدون‌گردیده و اصلی‌ترین مباحث ارتباطات علم اقتصاد و جامعه انسانی در آن به‌دانش شده است. بخش سوم که چرخه اقتصاد و چرخه تولید نام دارد تشریح مبادله، ارزش مبادله، شکل‌گیری قیمت، نقش پول، انضباط نظام پولی، نظام اعتباری و بانکی، اوراق قرضه دولتی، اوراق بهادار مالی، بخش‌های مختلف تجارت داخلی و خارجی و نقش دولت در تجارت برعهده دارد. بخش چهارم به توصیف مصرف، انواع مصرف، الگوی مصرف، نقش دولت در مصرف و حفاظت از حداقل مصرف فقرا اختصاص دارد. سرانجام بخش پایانی (یا باب پایانی) به دولت مالیه مربوط بوده شامل تعریف دولت، وظایف دولت، هزینه‌ها و درآمدهای دولت، انواع مالیه، درآمدی و عادلانه بودن مالیات و موارد مشابه می‌باشد.

در هر صورت کتاب مرحوم ذکاءالملک حاکی از تلاش، دقت، عمق علمی، تدبیر و انسجام قابل قبولی است. محمدعلی فروغی در دشتی، معروف به ذکاءالملک در سال ۱۲۵۴ خورشیدی در تهران به دنیا آمد. او در سن ۳۰ سالگی کتاب اقتصاد پیش‌گفته را بدون ساخت او در رشته پزشکی در دارالفنون تهران تحصیل کرد و مطالعات خود را در ادبیات، اقتصاد و سیاست ادامه داد. او در سن کمتر از ۲۰ سالگی استاد فلسفه و تاریخ شد. فروغی مدرسه سیاسی و معلم خصوصی احمدشاه نیز بود. در کنار حرفه معلمی سمت‌های مختلفی همانند «رئیس هیأت مدیره ریاست دیوان عالی کشور، وزارت مالیه و نخست‌وزیری را نیز تجربه کرد. هم در پیشه و هم در مدیریت مشای میانه داشت و از اصول‌گرایی افراطی و رادیکال‌گرایی به دور بود. علاوه بر کتاب اصول علم ثروت ملل، نوشته‌هایی مانند تاریخ مختصر ایران، حکمت سقراط، سیر حکمت در اروپا، آیین سخنوری، دوره مختصر علم فیزیک و موارد دیگری را به رشته تحریر درآورده است. در اندیشه سیاسی به دولتی مردم‌سالار و متعادل عقیده داشت و بر حقوق ملت و مقابله با استبداد اصرار می‌ورزید. در مشی اقتصادی نیز نه اقتصاد لیسفری^۱ (اقتصاد بازار کاملاً

آزاد) را موفق می‌دانست و نه رویکردهای سوسیالیستی را. بلکه بر نظامی مختلط، با داشتن یک بخش خصوصی توسعه‌یافته و با نظارت دولتی قانون‌مند و منضبط تأکید داشت. او سرانجام در سال ۱۳۲۱ خورشیدی و در سن ۶۷ سالگی بر اثر سکته قلبی درگذشت. اینجانب این مقدمه بر کتاب این مدیر با کفایت، اندیشمند متعادل، ایران‌شناس و ایران‌دوست با اخلاق و سیاست‌مدار مردم‌گرا را به خود او تقدیم می‌کنم. امید است که تأمل در این مقدمه توجه هر خواننده صاحب درک و صاحب درد را از یک سو به اهمیت دوباره علم اقتصاد (و از این رو مظلومیت آن در ایران امروز) برانگیزد و از سوی دیگر بر جای خالی مدیران و نویسندگان با کفایتی چون فروغی‌ما و آثار ارزشمندی چون کتاب اصول اقتصاد سیاسی وی، افسوس خورد. نگارش این مقدمه هم‌زمان است با حضور اینجانب در فرصت مطالعاتی در دانشکده اقتصاد دانشگاه ایلینویز آمریکا و دسترسی به منابع جدید و غنی کتابخانه مشهور این دانشگاه و امکانات دیگر دانشکده اقتصاد؛ از این رو باید دارد از مسئولان این دانشگاه و بخصوص رئیس گروه اقتصاد پرفسور مارتین پری و همکارانشان سپاسگزار باشم.

پیام‌گیری کارساز از ابتدایی‌ترین نقش‌های علم اقتصاد

۱- مطالب آغازین

هدف از تدوین این مقدمه یادآوری اهمیت توجه به نقش برخی از اصول ابتدایی علم اقتصاد در رسیدن به پیشرفتی همه‌جانبه است. دقت بیشتر در این مقدمه این پیام را می‌رساند که این علم، یافته‌ای انسانی و اجتماعی قدرتمند است که هم می‌تواند در تحلیل و تبیین و درست‌اندیشی بکار رود، هم در سیاست‌گذاری اقتصادی کارساز باشد و هم برای تصمیم‌گیری مدیران غیراقتصادی مفید باشد. این مقدمه نقش علم اقتصاد در بهتر ساختن نظام اقتصادی و اجتماعی را نشان می‌دهد. در ابتدا به طرح مسئله و سؤالات مربوطه اشاره می‌گردد، سپس به اهمیت و جایگاه تحلیل اقتصادی و نقش علم اقتصاد در بررسی‌ها و کارکردهای زیر سیستم‌های مختلف نظام اجتماعی پرداخته می‌شود (در ادامه فهرست‌وار به یک سری مطالب کلیدی اشاره می‌شود).

۱. علم اقتصاد یا اقتصاد سیاسی در حال حاضر و بنا به دلایل گوناگون به آن جایگاه رسیده است که می‌تواند به تحلیل بسیاری از موضوع‌ها و واقعه‌های روزمره زندگی فردی و اجتماعی

انسان‌ها مبادرت نمایند. از این‌رو کاربرد علم اقتصاد و تحلیل اقتصادی محدود به حوزه‌ها و عرصه‌های خود اقتصاد سیاسی نگردیده بلکه به ابزاری قدرتمند برای بررسی دیگر حوزه‌ها و عرصه‌های فردی و اجتماعی تبدیل گردیده است؛ یعنی عناصر و ابزارهای این علم علاوه بر اقتصاد، برای راهنمایی رفتار کارگزاران و خط مشی‌دهی در امور سیاسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، امور تربیتی، فرهنگی، حقوقی، تاریخی، فلسفی، فنی و حتا امور اخلاقی، عقیدتی و مانند آن نیز بکار می‌رود. با این وصف اگر هم‌اکنون به کار بدستان برنامه آموزش اقتصاد کشور توصیه شود که به نوع کلیاتی از علم اقتصاد برای همه رشته‌ها در دستور کار مراکز آموزشی و پژوهشی و اجرایی قرار دهند قابل انتظار و در عین حال کارساز خواهد بود. شاید به همین دلیل است که در تعداد قابل توجهی از دانشگاه‌های معتبر دنیا در یک تا دو ترم دانشگاهی واحدهایی از اصول اقتصاد و هم‌کنون اقتصاد سیاسی در برنامه درسی رشته‌های غیراقتصادی گنجانده می‌شود. همچنین گسترش مطالعات بین‌رشته‌ای اقتصاد و ورود علم اقتصاد و به‌ویژه روش‌شناسی اقتصاد در بررسی و مطالعه دیگر علوم در این رابطه نیز معنادار می‌باشد. به این خاطر سیاست‌گذاران آموزشی دنیای متمدن، برای ترغیب بیشتر کارآمد ساختن کاربرد اقتصاد در حل و فصل امور خود، در هر دوره آموزشی و گاهی در سال، ابزارهای کارآمدتری تعریف و اجرا می‌نمایند. باوجودی که در جهان پر تحول کنونی، قرن ۲۱ هر سال برنامه‌های آموزشی اقتصاد مورد بازبینی واقع می‌گردد، تقریباً ۴۸ سال است (از ۱۹۰۶ تا ۱۹۹۴) که برنامه آموزشی رشته اقتصاد کشور ما مورد بررسی اساسی قرار نگرفته است. در عین حال برنامه ریزی‌های شتاب‌زده و ایجاد تغییرات جزئی و ناسازگار پیرامون آن صورت گرفته که پیش برده بوده است.

وجود ترکیب‌ها و سنتزهایی از اقتصاد سیاسی و دیگر رشته‌ها بعد از دیگری از اهمیت کارکردی این علم را روشن می‌سازند. تحلیل اقتصادی حقوق، تحلیل اقتصادی سیاست، اقتصاد جامعه، اخلاق و اقتصاد، اقتصاد زنان، اقتصاد ورزش، اقتصاد امنیت، اقتصاد سلامت، اقتصاد رفاه، اقتصاد دولت، اقتصاد مدیریت، اقتصاد کار، اقتصاد جرم، اقتصاد بهداشت، اقتصاد شادی و حتا اموری مانند اقتصاد گانگستری نشان از وجود و کارآمدی بسترهای ترکیبی اقتصاد و دیگر رشته‌ها می‌باشد و بیانگر خاستگاه معنی‌دار علم اقتصاد و تأثیر مطالعات مربوط به آن در دیگر رشته‌ها است. به زبان دیگر گویی اقتصاد به شکل زبان و منطقی برای بررسی رشته‌های مرتبط دیگر در آمده است. در حال حاضر اقتصاد در صدها گروه تخصصی بخش و دانشکده به

عنوان یک علم پیشرو در میان علوم اجتماعی و انسانی تدریس و بررسی می گردد. اکتبر هر سال به یک یا چند نفر از میان اقتصاددانان برجسته جهان از سوی بانک سوئد و به دلیل بزرگداشت آلفرد نوبل (۱۸۹۶-۱۸۳۳) شیمی دان و دانشمند معروف سوئدی و مخترع دینامیت، جایزه نوبل اعطا می گردد.^۱ اولین اقتصاددانانی که جایزه نوبل گرفتند، رگنار فریش و یان تین برگن بودند که جایزه مربوطه را در سال ۱۹۶۹ دریافت کردند. جایزه نوبل اقتصاد در اکتبر ۲۰۱۴ نیز به ژان تیرول^۲، اقتصاددان فرانسوی به خاطر تلاش او در قدرت بازار و مقررات گذاری اعطا گردید. هزاران کتاب و نشریه تخصصی اقتصاد در سراسر جهان به مطالعات علمی در این رشته اقدام می کنند و پژوهش های فراوانی در عرصه این رشته تولید و بازتولید شده که محصولات مربوطه به عنوان یافته های علمی جهت سیاست گذاران مختلف و برای کارشناسی شدن سیاست ها و تصمیمات آنان بکار می شود. خلاصه و همان گونه که در قسمت های بعدی این نوشته اشاره خواهد شد، در کتاب یادگیری و بررسی این چنین علمی علاوه بر صاحب نظران، علاقه مندان و دانشجویان رشته اقتصاد برای متفکران، دانشجویان و علاقه مندان دیگر رشته ها و حتی برای افراد غیر دانشجویان نیز مفید و راهگشا می باشد. از این رو تبیین این موضوع در این مقدمه و شناخت ابعاد مختلف آن و پاسخ به سؤالاتی اولیه در این رابطه سازگاری کافی خواهد داشت. چند سؤال زیر در رابطه با اهمیت و نقش اقتصاد سیاسی معنی دارد. نظر می رسد، یکی آن است که چرا توجه ویژه به علم اقتصاد و به طور خاص تحلیل اقتصاد از نظر علمی و اجرایی ضرورت دارد؟ دوم محوره های لازم برای دستیابی به تحلیل استاندارد اقتصاد است. آیا دیگر کاربردهای علم اقتصاد کدام هستند؟ سوم چگونه می توان بر دشواری ها یا مشکلاتی که ممکن است در سر راه کاربرد اقتصاد و تحلیل اقتصادی استاندارد قرار گیرد، چیره گشت؟ سرانجام چگونگی بکارگیری علم اقتصاد می توان به

۱. روز ۲۱ اکتبر روز تولد آلفرد نوبل بوده و معمولاً هر ساله دو هفته اول آن ماه، زمان اعطای جایزه مربوطه به آن دسته از دانشمندان رشته های فیزیک، شیمی، پزشکی، ادبیات، اقتصاد و صلح جهانی می باشد که در زمینه های مربوطه به پیشرفت های نوینی دست یافته باشند. این جایزه بر اساس وصیت نامه آلفرد اعطا می گردد؛ زیرا او هدف اولیه خود از اختراع دینامیت را خدمت به انسان ها در جهت تسهیل امور آنها می دانست، اما پس از آنکه ملاحظه کرد، از ابزار مربوطه برای نابودی خود انسان نیز استفاده می شود، به شدت نگران شد. از این رو او تمامی اموالش را به انجام اموری که به حل مشکلات انسانی کمک کند و باعث صلح و آسایش بیشتر در جامعه جهانی گردد اختصاص داد. پس از آن بود که جایزه نوبل طراحی و راه اندازی گردید.

پیشرفت همه‌جانبه و بلندمدت در نظام اقتصادی رسید؟ (در ادامه به مواردی از سؤال‌های یادشده پرداخته می‌شود).

۲. یکی از نکاتی که اهمیت مطالعه علم اقتصاد را به‌ویژه برای علاقه‌مندان رشته‌های غیراقتصادی آشکارتر می‌سازد، توجه به دو پیوند بین اقتصاد و دیگر رشته‌ها است. یکی پیوند سنتی و معمولی آن است و دیگری پیوندی جدیدتر می‌باشد. پیوند اولی اقتصاد و دیگر رشته‌ها، موضوعی سرراست و ته‌ب‌آ‌ط‌می است و در طول تاریخ مطرح بوده است ولی در دومی تحلیل اقتصادی محور بررسی رشته‌های غیراقتصادی است. به عنوان مثال وقتی بحث از حقوق و اقتصاد می‌شود یک زمان پیوندهای علم اقتصاد دو مطرح است که همان محور اولی است. در این ارتباط موضوعات اقتصادی مورد توجه حقوق مطرح است. حقوق تجارت، حقوق بانک، حقوق کار و حقوق مصرف از این نمونه است. همچنین جامعه‌شناسی و اقتصاد پیوندهای عمومی زیادی (از نوع اول) دارند. به عنوان مثال مصرف و تولید، درآمد مخدر در یک کشور، توزیع ناعادلانه ثروت‌ها، ظهور فقر و حاشیه‌نشینی، اختلافات طبقاتی و مانند آن با وجودی که خاستگاه اجتماعی مشخصی دارند، جایگاه و آثار اقتصادی قابل توجهی نیز دارند. این‌ها پیوند معمولی و سنتی اقتصاد و جامعه‌شناسی را نشان می‌دهد. همین‌طور بیکاری با وجودی که پدیده‌ای اقتصادی است، اما در شرایط حاد ممکن است باعث سقوط خانواده‌ها، برور افسردگی، حتماً ورود به عرصه خودکشی و یا فسادهای دیگر شود که جنبه‌های روان‌شناختی و سیاسی خاص را همراه آورد؛ این‌ها همه در قالب ارتباط اول و سنتی اقتصاد و دیگر رشته‌ها مطرح هستند.

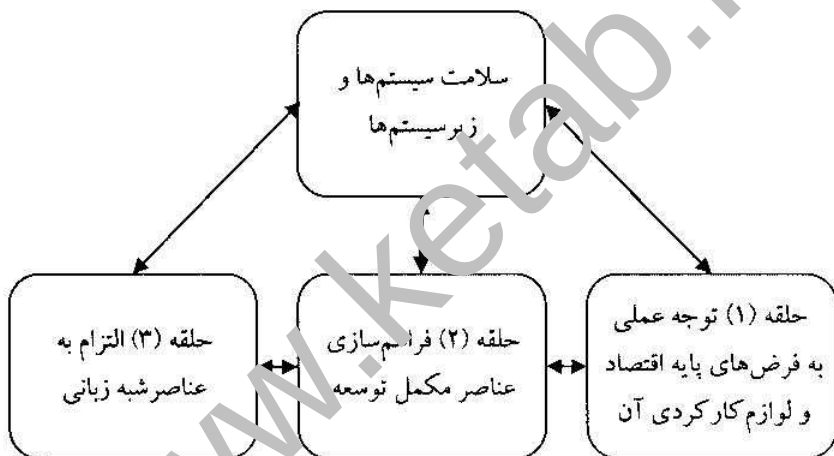
ارتباط دوم اقتصاد و دیگر رشته‌ها که اهمیت دوچندان رشته اقتصاد را گوشزد می‌کند، کاربرد اقتصاد در بررسی کارکرد رشته‌های دیگر می‌باشد. این را به دلیل وجود عناصری عمومی و قدرتمند در علم اقتصاد است.

۳. به عنوان مثال همان‌طور که در قسمت بعدی اشاره خواهد شد یک بحث محوری در علم اقتصاد موضوع عقلانیت است؛ زیرا در اقتصاد فرض می‌شود که کارگزاران اقتصادی شامل مصرف‌کننده‌ها، تولیدکننده‌ها و مقام‌های دولتی، رفتاری عقلانی دارند. همچنین می‌توان توصیه کرد که کارگزاران مختلف به طور عقلانی رفتار کنند. در عین حال عقلانیت در رویکردهای مختلف ضمن داشتن برخی عنصرهای مشترک، مفهوم‌های متفاوتی هم دارد. یک معنای عام عقلانیت در اقتصاد، اتخاذ بهترین تصمیم در کاربرد منابع در دسترس با توجه به

مجموعه اطلاعات و محدودیت‌ها می‌باشد (در ادامه نشان داده خواهد شد که عنصر عقلانیت و دیگر عنصرهای مرتبط با آن می‌تواند محوری برای بررسی رفتار کارگزاران دیگر رشته‌ها نیز باشد). از این رو با توجه به معیار عقلانیت می‌توان رفتار دانشجوی و یا سایر کارگزاران حقوق، علوم سیاسی، مدیریت، بازرگانی، علوم تربیتی، روانشناسی، جامعه‌شناسی و دیگر علوم انسانی و اجتماعی را مورد بررسی قرار داد و در نهایت داوری کرد که رفتار مورد نظر عقلانی بوده و یا نبوده است (عقلانی بودن یک رفتار یا یک فعالیت به‌طور کلی، دست کم به معنای موجه بودن آن از منظر اقتصادی خواهد بود)؛ بنابراین تقویت علم اقتصاد در کشور می‌تواند به تقویت رفتارهای عقلانی مجموعه مردم کمک کند و این یافته بسیار بزرگی است. از جمله عنصرهای مرتبط با عقلانیت و این دیگر محورهای تحلیل اقتصادی می‌توان به روحیه و انگیزه حسابداری و حسابرسی، تلاش برای استفاده از اطلاعات کافی و سازگار، شناسایی اولویت‌ها، مطالعه دقیق کارشناسی امور مرتبط، انتخاب تصمیم بر اساس مجموعه عناصر یادشده و انتخاب استراتژی و سیاست مناسب برای حرکت با توجه به تکنیک هزینه - فایده جامع اشاره کرد؛ به عبارت دیگر هر دانشجو و یا غیر دانشجو (چه در رشته اقتصاد یا غیر آن)، در کوران زندگی روزمره خود در صورت توجه به مجموعه عناصر یادشده می‌تواند به موفقیت‌های زیادی برسد؛ اما عدم توجه به آن‌ها ممکن است زیان‌ها و دشواری‌های فراوانی برای او در بر داشته باشد. توجه به ملاحظات یادشده و در نظر گرفتن آن‌ها در محور بررسی رفتار و اندیشه‌ها در واقع ورود فرد و باگروه را به کاربرد علم اقتصاد نشان می‌دهد که می‌تواند در امر اقتصادی و یا در امور غیراقتصادی صورت گیرد.

۴. در این قسمت توجه به یک نکته ضروری است و آن این است که: فقه متعارف یا اقتصاد سیاسی عمومی، علمی است که پارادایم‌های فراوانی را در بر دارد. پارادایم‌های ارتدکسی - لیسفری و رادیکالی - سوسیالیستی در دو سر طیف آن و پارادایم‌های فراوانی در بین دو طیف حاد پیش گفته قرار دارند. این مقدمه بر اساس یک پارادایم متعادل و میانه از اقتصاد متعارف تدوین می‌گردد که بین دو سر طیف پیش گفته قرار می‌گیرد. قسمت دوم این مقدمه به مجموعه محورهایی می‌پردازد که در تحلیل اقتصادی و دیگر استفاده‌های اقتصاد بکار می‌روند. قسمت سوم با توجه به مفاد قسمت‌های اول و دوم به عناصر سلامت‌ساز سیستم‌ها و زیرسیستم‌های اقتصادی و اجتماعی پرداخته می‌شود. به عبارت روشن‌تر می‌توان کل بسته پژوهشی این مقدمه را

شامل چند حلقه مرتبط به هم (حلقه‌های سلامت‌ساز سیستم‌ها و زیرسیستم‌ها) به صورت زیر دانست: حلقه اول «فرض‌های پایه اقتصادی بودن سیستم‌ها و تصمیم‌ها و لوازم کارکردی آن‌ها» می‌باشد. حلقه دوم عناصر مکمل توسعه^۱ با لوازم سازمانی، نهادی و مدیریتی مربوط به آن است. حلقه سوم توجه به یک سری عنصرهای شبه زبانی همانند نگاه سیستمی، رویکرد دینامیکی و چارچوبی میانه بر اساس اخلاقیات مشترک می‌باشد. به نظر می‌رسد که توجه عمیق و همه‌جانبه به نظریه‌های اقتصاد سیاسی و مطالعه تجربه‌های استاندارد علم اقتصاد، به محقق پیام‌هایی کارساز در قالب حلقه‌های بین گفته ارائه می‌کند (نمودار زیر نماد اولیه حلقه‌های یادشده را نشان می‌دهد).



نمودار حلقه‌های سلامت سیستم‌ها و زیرسیستم‌ها

۲- ابعاد کلی تحلیل اقتصادی و دیگر استفاده‌های اقتصاد سیاسی

۱. با توجه به مطالب قسمت اول مناسب است تأکید شود که چند عنصر اساسی و هم‌پیوسته در علم اقتصاد وجود دارد که به آن قدرت تحلیل آفرینی بالایی داده، به گونه‌ای که با کمک آن عناصر امور غیراقتصادی را نیز می‌توان بررسی کرد. این‌ها را می‌توان تحت عنوان «فرض‌های پایه اقتصادی بودن سیستم‌ها، تصمیم‌ها و لوازم کارکردی آن‌ها» نام‌گذاری کرد. مهم‌ترین فرض‌های پایه اقتصادی بودن سیستم‌ها و تصمیم‌ها را می‌توان توجه به مفاهیم عقلانیت، کمیایی منابع، کارآمدی و بهینه‌یابی و تعادل دانست. همچنین لوازم اثرگذاری و کارکردی فرض‌های

مربوطه شامل التزام به مفهوم هزینه فرصت‌ها، تکنیک‌های هزینه - فایده جامع و وجود پدیده تبادل الزامی (یا بده بستان الزامی)^۱ در میان منابع کمیاب، نظارت و هماهنگ‌سازی می‌باشد. قبل از تبیین عناصر فوق، مناسب است ذکر شود که علم اقتصاد متعارف به طور کلی به علم تخصیص منابع کمیاب با توجه به نیازهای رقیب تعریف می‌شود. در ضمن و همانگونه که اشاره شد علم اقتصاد یا اقتصاد متعارف عام معرفتی یکنواخت و منطبق بر تنها یک پارادایم نبوده، بلکه دربرگیرنده مجموعه‌ای از پارادایم‌های اقتصادی است. جالب توجه است که در همه قرائت‌های مربوط به «مفهوم عقلانیت، لوازم کارکردی آن‌ها و دیگر عناصر و محورهای اصلی تحلیل اقتصادی به هر چه دیگر کارکردهای علم اقتصاد مطرح هستند. در عین حال مفهوم عناصر مربوطه بر اساس پارادایم اقتصادی به نظر ممکن است متفاوت باشد؛ به عبارت دیگر تأکید بر چند قرائتی و چند پارادایمی در علم اقتصاد در این قسمت اساسی است. حداقل می‌توان برخی پارادایم‌های ارتدکسی، میانه، رویکردی و مانند آن را از مجموعه پارادایم‌های اقتصاد متعارف عام معرفی کرد (همان‌طور که ملاحظه شد).^۲ پارادایم‌های عناصری از علم اقتصاد را به‌طور مشترک دارند؛ اما آن‌ها با رویکردهای متفاوت به همان عناصر مشترک تأکید دارند. به عنوان مثال مفهوم عقلانیت با وجود داشتن عناصر مشترک، سبب گری، دقت، توجه به امور کارشناسی و مانند آن می‌تواند جهت‌گیری‌های متفاوتی هم داشته باشد).

۲. یکی از پارادایم‌های ارتدکسی، مربوط به تکنیک‌های سنتی است. نئوکلاسیک‌ها را می‌توان در دو اردوگاه ارتدکسی و غیر ارتدکسی دسته‌بندی کرد. ارتدکس‌ها بر فرض‌های بسیار قوی در مورد علم اقتصاد تکیه دارند. به عنوان نمونه آن‌ها مدل‌های اقتصادی مورد نظر خود را با توجه به فرض رفتارهای عقلانی کامل، با روش‌شناسی فردگرایانه کامل، و در بازارهای کارآمد کامل، تعادل کامل، رقابت کامل، داشتن اطلاعات کامل و مانند آن بررسی می‌کنند. آن‌ها همچنین بر اندیشه سفر اصرار داشته دخالت دولت در اقتصاد را برنمی‌تابند. آن‌ها به شدت تنوری‌گرا هستند. البته اگر فرض‌های مورد نظر رویکردهای ارتدکسی محقق شوند می‌توان فایده‌های زیادی از آن‌ها را در دنیای اقتصاد به دست آورد؛ اما آیا امکان تحقق فرض‌های پیش‌گفته در جهان واقعی (و نه در جهان مدل) وجود دارد؟ به عنوان مثال آیا ممکن است که اطلاعات کامل وجود داشته باشد؟ همه افراد دارای رفتار عقلانی کامل باشند؟ بر جامعه‌های

انسانی، فردگرایی کامل حاکم باشد؟ رقابت کامل بر بازار حاکم باشد؟ بازارها با کارایی کامل وجود داشته باشند، دولت هیچ دخالتی در اقتصاد نداشته باشد و مانند آن؟ به عبارت دیگر رویکرد ارتدکسی خیلی مطلق‌نگر و غیر واقعی به نظر می‌رسد. در مقابل گروه‌هایی تقریباً در طیف مقابل قرار گرفته و به شدت نسبی‌نگر بوده، فردگرایی کامل را زیر سؤال برده، تئوری‌گرایی را زیر سؤال برده و برای توجیه همه چیز دنبال رفتارهای واقعی هستند، بر دشواری رقابت و کارایی در جهان واقعی اصرار دارند. آن‌ها جنبه‌های کل‌گرایانه و غیر انفرادی، رفتارهای جمع‌گرا، و تصور سنگین دولت در اقتصاد را ترویج می‌نمایند. به نظر می‌رسد اگر ارتدوکس‌ها راه به افراط از سویی می‌برند، رادیکال‌ها نیز راه افراط از دیگر سو را می‌پیمایند. در عین حال هر دو آنها به رجعتی از عقلانیت، کارایی، تعادل و دیگر لوازم تحلیل و کارکرد اقتصادی عقیده دارند، اما در سرلیف مجموعه پارادایم‌های اقتصادی متعارف قرار می‌گیرند. یک سوء تفاهم نیز در این رابطه رایج است که می‌تواند مشکل‌ساز باشد. آن این است که عده‌ای پارادایم ارتدکس نئوکلاسیک را برکلی اقتصاد متعارف یا علم اقتصاد منطبق می‌دانند که این نیز خلطی مسئله‌آفرین خواهد بود؛ زیرا در نهایت پارادایم نئوکلاسیک، یک پارادایم از اقتصاد عمومی (علم اقتصاد یا اقتصاد سیاسی) است و نه همه آن. البته نئوکلاسیک‌های ارتدوکس با وجودی که تنها یکی از پارادایم‌های اقتصاد متعارف هستند اما یکی از پرتولیدترین، فعال‌ترین و فراگیرترین پارادایم‌ها نیز هستند. متون اقتصادی بسیار زیادی بر اساس رویکرد مربوطه تدوین شده، گروه‌ها و بخش‌های زیادی از دانشگاه‌ها به آن‌ها اختصاص دارند و تعداد قابل توجهی از اقتصاددانان نیز در اردوگاه آن‌ها قرار می‌گیرند؛ بنابراین نقد این رویکرد نباید به معنای بی‌توجهی به یافته‌ها، محصولات و خدمات فراوان آن‌ها محسوب گردد. اندک‌اندکی و نامی و رفتار منطقی اقتضا می‌کند که باید عناصر مثبت و یافته‌های فراوان رویکرد مربوطه را نیز برجسته نمود. در عین حال همه و از جمله ارتدکس‌های نئوکلاسیک، بایستی بپذیرند که به‌ویژه در دنیای قرن ۲۱، پارادایم‌ها و اندیشه‌های بسیار متنوعی در عرصه‌های مختلف (اقتصاد و غیر اقتصاد) وجود دارد که باید درک و تحمل شوند.

۳. عقلایی است که صاحبان پارادایم‌ها و اندیشه‌های گوناگون در کنار همدیگر زمینه‌گفتمان علمی را با یک مشی دموکراتیک فراهم نمایند. همین‌طور رویکردهای منتقد ارتدکس‌ها که گروه‌هایی از پارادایم‌های رادیکالی اقتصاد را تشکیل می‌دهند بایستی مورد احترام واقع شوند؛ اما یک واقعیت

مشکل آفرین در دنیای تکثری اقتصاد آن است که گروه‌های افراطی دنبال بیرون راندن رقیب به هر قیمتی هستند و این هم در نظریه و هم در سیاست‌گذاری آثار منفی فراوانی داشته و خواهد داشت.

دعوت به زندگی علمی مسالمت‌آمیز بین همه پارادایم‌ها پیام رویکردهای متعادل اقتصادی می‌باشد. این مقدمه نیز با استفاده از رویکردهای متعادل و میانه اقتصاد متعارف به توصیفی از کاربرد اقتصاد و تحلیل اقتصادی می‌پردازد؛ اما آن در عین حال تمامی پارادایم‌های زیرمجموعه اقتصاد متعارف را به هم‌زیستی مسالمت‌آمیز دعوت می‌کند. چون تئوری‌های علمی و تجربی‌های استاندارد، این واقعیت را به اثبات رسانده‌اند که عدم موفقیت و نادرستی اندیشه‌های افراطی در هر عرصه، حتی در سکولاریسم و دین‌داری نیز ثابت شده است. نه دین‌داری افراطی پاسخگو است نه سکولاریسم افراطی. برای حفاظت از داکترین‌های سکولاریسم و دین، بایستی از قرائت‌های میانه و متعادل آن دو کمک گرفت. اندیشه‌های سکولار متعادل و دین‌داری متعادل می‌توانند در کنار زندگی علمی و اجرایی ادامه دهند ولی رفتار صاحبان‌گرایش‌های افراطی آن دو نهایتاً به ناکارآمدی، شلخت، توريسم و دیگر سرنوشت‌های تحمل‌ناپذیر و مخرب منجر خواهد شد. در حال حاضر، این استاندارد در سایه رویکردهای متعادل، توجه به عقل جمعی، اصول مشترک اخلاقی، همکاری ملل، منطقه‌ای و بین‌المللی حاصل می‌گردد. حتماً کارآمدی اقتصادی نیز که اصلی بنیادین در اقتصاد است، بدون ملاحظات به عناصر هم‌ترازی چون توزیع عادلانه کارساز نیست. لذا با وجودی که کارآمدی بازار پدیده‌ای کلیدی و درست می‌باشد، بدون حل مشکل بی‌عدالتی، پایداری نظام‌های اقتصادی در بلندمدت دشوار خواهد بود. اگر چه تظاهرات عظیم مردمی (بین ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳) در کشورهای اروپایی و سایر کشورهای توسعه‌نیافته با هدف تحقق دموکراسی و حفظ حقوق شهروندی صورت گرفت، اما یک پیام این تظاهرات در کشورهای پیشرفته و دموکراتیک، تحقق عدالت اقتصادی بوده است. از این رو اگر بتوان دموکراسی را (تا تئوری بهتری جایگزین آن نشده) آخر تاریخ سیاست دانست، دیگر نمی‌توان بازار آزاد لفسری را به تنهایی آخر تاریخ اقتصاد قلمداد نمود.^۱ بازار آزاد کارآمد

۱. اشاره به ادعای آخر تاریخ از سوی فرانسیس فوکویاما و تا حدودی ادعای آخر ایدئولوژی از سوی دانیل بل (۲۰۱۱-۱۹۹۹)، می‌باشد. بر اساس ادعای آخر تاریخ، دموکراسی آخر تاریخ سیاست و بازار آزاد آخر تاریخ اقتصاد اعلام گردیده بود.

به اضافه دولت دموکراتیکی کارساز خواهد بود که همراه حفظ کارآمدی بازار، نوعی عدالت اقتصادی پایدار را نیز محقق سازد. البته (همان طور که اشاره خواهد شد)، دولت در این چارچوب دولت خوب و بهینه است. در هر صورت ورود فضای دموکراتیک به گرایش های اقتصادی یک مطالبه جدید مردم است و این موضوع با گسترش و اهمیت یافتن تکرر اندیشه ها در قرن ۲۱ سازگار به نظر می رسد. اگر در اقتصاد متعارف عام (علم اقتصاد و اقتصاد سیاسی) پارادایم های ارتدکسی نوکلاسیک و رادیکالی سوشالیسم وجود دارند، رویکردهای نهادگرایی متعادل، کنونی متدل، فمینیستی متعادل، اخلاق گرایی متعادل، اثربشی متعادل، نوکلاسیک های متعادل و موارد مشابه نه مطرح هستند (موضوع با توصیفی از مفاد عقلانیت اقتصادی از منظر رویکرد میانه ادامه می یابد).

۴. در علم اقتصاد فرض می شود که کارگران رفتاری عقلانی دارند (به عنوان یک گزاره اثباتی). در عین حال می توان توصیه نمود که کارگران مربوطه رفتار عقلانی داشته باشند (به عنوان یک گزاره هنجاری)؛ زیرا یکی از اولین اصول علم اقتصاد یا یکی از نخستین درس های آن علم این است که هم دارای گزاره های اثباتی است و هم شامل گزاره های دستوری. از این رو انتظار می رود که انعکاس هر دو این گزاره ها، هم در تحلیل اقتصادی و هم در رفتار کارگران مورد نظر نقش داشته باشد.^۱ کارگران اقتصادی شامل خانوارها، بنگاه ها، مقام های دولتی هستند. این فرض مطلوب علم اقتصاد است که کارگران سه گانه یادشده رفتاری عقلانی داشته باشند (هم می توان فرض کرد که خانوارها، بنگاه ها و دولتی ها رفتاری عقلانی دارند و هم می توان توصیه کرد که کارگران مربوطه رفتار عقلانی داشته باشند). این بحث ها به ترتیب در چارچوب اقتصاد اثباتی و اقتصاد هنجاری یا دستوری قرار می گیرد. اقتصاد اثباتی از هست ها و نیست ها و واقعیت ها بحث می کند و اقتصاد هنجاری یا دستوری به باید ها و نبایدها و ارزش ها و توصیه ها مربوط است. عقلانیت اقتصادی به طور کلی رفتاری را شامل می شود که با داشتن اطلاعات کافی، دقت و حسابگری، به شناسایی منابع و محدودیت ها پرداخته و بر اساس شناسایی اولویت ها تصمیم گرفته و به انتخاب اقدام می کند. کارگزاری که با توجه به درآمد محدودش و شناختی که

۱. البته برخی رویکردهای حاد اقتصادی در عمل به این اصل کارساز اقتصادی توجه نکرده و نقش گزاره های دستوری و هنجاری را در علم اقتصاد تضعیف کرده یا نادیده می گیرند.

از بازار و کالاها دارد و توجهی که به نیازهای مختلف خود دارد، آن منابع را به مصرف‌های مختلف اختصاص می‌دهد رفتاری عقلانی دارد؛ به عبارت دیگر می‌توان نوعی رفتار دقیق، کارشناسی، حسابگرانه و با توجه به حفظ منابع و منافع و سازگار ساختن اهداف و ابزار در دسترس را رفتار عقلانی نامید.

مصرف‌کننده با رفتار عقلانی ابتدا نیازهای خود را بررسی می‌کند، کالاها و خدمات و قیمت‌ها و بازارهایی که ارتباط دارد شناسایی می‌کند، در مورد نیازها اولویت‌سنجی و کارشناسی می‌کند. سرانجام با توجه به منابع و منافع خود بهترین تصمیم را می‌گیرد. به همین صورت بنگاه و تولیدکننده‌ای که در مورد تولید و عرضه کالای خود اطلاعات کافی را جمع‌آوری نماید، در مورد رفتار با مشتریان نیز بررسی کافی بنماید، وضع بازار حال و آینده را بسنجد و هزینه‌ها و منفعت‌های آن را و عرضه را شناسایی و تحلیل کارشناسی نماید و سپس به عرضه اقدام کند رفتاری عقلانی دارد؛ بنابراین (اگر فرض ثبات سایر شرایط) خریداری که بدون بررسی کافی کالایی بخرد و فروشنده‌ای که بدون مطالعه کافی کالا عرضه می‌کند، فاقد رفتار عقلانی کافی استاندارد است. همچنین یک مقام دولتی که باید قانونی خود را نسبت به مردم انجام می‌دهد، قواعد بازی ملی و بین‌المللی را رعایت می‌کند. میزان کافی نسبت به مصرف‌کننده و تولیدکننده اطلاع‌رسانی می‌کند، تصمیم‌های خود را بر اساس کارشناسی اتخاذ می‌کند، به جای دخالت در بازار به نظارت اقدام می‌کند، لوازم استاندارد فضایی تدبیر و کار را برای مردم فراهم می‌کند و با رفتاری مسالمت‌آمیز با بنگاه‌ها و خانوارها برخورد می‌کند، رفتاری عقلانی دارد. در این صورت آن مقام دولتی که از قواعد بازی و وظایف خود آگاهی کافی ندارد، دخالت بی‌مورد در بازار می‌کند، از اطلاع‌رسانی و پاسخ‌گویی نسبت به خانوارها و بنگاه‌ها سرباز می‌زند، بدون کار کارشناسی تصمیم‌گیری می‌کند، در روابط عادی بین‌الملل، تدبیر ایجاد می‌کند، فاقد رفتار عقلانی است. اگر تعریف مشهور علم اقتصاد مرور شود، پیوند عناصری از عقلانیت با آن ملاحظه خواهد شد. یک تعریف نسبتاً اجماعی و در عین حال سنتی از علم اقتصاد آن است که: «علم مطالعه و بررسی اموری است که توسط آن از منابع کمیاب [محدود] جهت کاربرد در تأمین نیازهای فراوان [نامحدود] بهترین استفاده به عمل می‌آید». انسانی که رفتار عقلانی دارد، درک می‌کند که منابع کمیاب [و محدود] هستند و نیازها، فراوان [و نامحدود]. لذا تدبیر کارشناسانه و حسابگرانه‌ای لازم است تا بتوان به بهترین شیوه اتخاذ تصمیم نمود. بدیهی است که فرد و یا

دستگاهی که تدابیر عقلانیت یاد شده را بخوبی بکار بندد علاوه بر آنکه منفعت خود را به حداکثر ممکن خواهد رساند، برای دیگر افراد و دیگر دستگاه‌های مرتبط و درون جامعه نیز منفعت‌هایی به بار خواهد آورد؛ بنابراین این کاربرد عقلانیت با وجودی که فرض کلیدی علم اقتصاد است می‌تواند برای غیر اقتصاد هم مفید و کارساز باشد.

۵. در رویکرد ارتدکسی رفتار عقلانی به حداقل ممکن از عقلانیت (نمونه تقلیل گرایانه)، محدود می‌گردد. به این صورت که مفهوم عقلانیت در رویکرد مربوطه تنها به حداکثر کردن منافع شخصی کوتاه مدت محدود می‌گردد. به این نوع عقلانیت تقلیل گرایانه، عقلانیت ابزاری هم گفته می‌شود. ترجیح آن است که در مقابل عقلانیت ابزاری (در رویکرد ارتدکس‌ها) از عقلانیت غیر ابزاری یا عقلانیت دوم (در رویکرد میانه و متعادل از اقتصاد متعارف) استفاده شود. عقلانیت ابزاری جنبه فرد گرایانه، تبع‌ثباتی رایانه، به‌طور عمده مادی و کوتاه‌مدت دارد، ولی عقلانیت عام علاوه بر توجه به منفعت شخصی و کوتاه‌مدت، منفعت اجتماعی، منفعت آیینی، حتی منفعت غیرمادی و بلندمدت را نیز در بر می‌گیرد. از این رو اگر گفته می‌شود که رویکرد ارتدکسی یک رویکرد کاسب‌کارانه است و رویکرد متعادل رویکردی اقتصادمحور، قابل دفاع به نظر می‌رسد؛ زیرا ارتدکس‌ها بر اساس عقل ابزاری عمل می‌کنند ولی رویکردهای متعادل بر اساس عقلانیت غیر ابزاری. این است که نمی‌توان همواره روحیه کاسب‌کارانه را روحیه اقتصادی دانست. روحیه کاسب‌کارانه دنبال حداکثر کردن نفع شخصی کوتاه‌مدت است در حالی که روحیه اقتصادی علاوه بر آن دنبال نوعی ثبات اجتماعی و سیاسی، سلامت اقتصادی و استحکام اخلاقی نیز هست. از این رو این جفا به علم اقتصاد است که با کاسب‌کاری برابر تلقی شده است. این همچنین جفا به اقتصاددانان است که با کاسب‌کاران به صورتی مترادف بکار برده می‌شوند. همانگونه که سیاسی‌کاران را نباید با صاحب‌نظران علوم سیاسی مترادف دانست.

۶. رفتار عقلانی به صورت یک نوع ملکه ذهنی و رفتاری در کارگزار مربوطه عمل می‌کند که می‌تواند اطلاعات کافی را جمع‌آوری نماید، با رویکردی کارشناسانه منابع، منافع و نیازهای حوزه مربوطه را بررسی و شناسایی کند، بر اساس حسابگری، اولویت‌سنجی و با توجه به محدودیت‌ها به اتخاذ تصمیم و انتخاب مبادرت کند. این است که عقلانیت اگر چه با کاربرد مدبرانه عقل همراه است اما چیزی فراتر از داشتن عقل به نظر می‌رسد. در نتیجه همه عقل داران ممکن است نتوانند لزوماً رفتار عقلانی هم داشته باشند. نکته تکمیلی در این رابطه، فراگیری کاربرد عقلانیت در

عرصه‌های غیراقتصادی است؛ یعنی شکل‌گیری عنصر مربوطه هم در اهل اقتصاد و هم در میان غیر اهل اقتصاد نیز کارساز می‌باشد. این یکی از جاهایی است که به اقتصاد قدرت تحلیلی بالایی می‌بخشد که وارد ارزیابی و بررسی دیگر عرصه‌ها گردد. توجه به این عنصر ارزشمند و برجسته در علم اقتصاد، اهمیت مستقل تحلیل اقتصادی را نیز می‌رساند. به این صورت که اگر انسان بخواهد درک کند که آیا کار او توجیه اقتصادی دارد یا خیر، یک شاخص در این رابطه وجود دارد و آن اعمال رفتار عقلانی و یا عدم آن است. از این رو می‌توان یک مفهوم عام از تحلیل اقتصادی - شته‌های مختلف را ارزیابی عقلانی بودن یا عقلانی نبودن ابعاد سازگار آنان دانست. همان‌طور که ملاحظه شد، توجه به کمیابی منابع گویی از محوری‌ترین موضوعات رفتار عقلانی است؛ زیرا رجه به عنصر کمیابی نوعی هشدار اساسی برای کارگزاری است که رفتار عقلانی دارد؛ بنابراین آن مقدار کمیابی را درک نکند، آن منابع را هدر می‌دهد. یکی از دلایلی که مقام‌های دولتی موفق از مشاوره برجسته‌ترین اقتصاددان‌ها استفاده می‌کنند، همین توجه به کمیابی منابع و اتخاذ تصمیم عقلانی است. خانوارها و بنگاه‌ها نیز در صورت بی‌توجهی به مقدار کمیابی به اتلاف منابع خود اقدام خواهند کرد و این نمادی از رفتار غیرعقلانی است.

۷. در کنار عقلانیت و توجه به کمیابی، بحث کارآمدی، تعادل و لوازم کارساز آن‌ها نیز مطرح هستند که در عین حال لازم و ملزوم یکدیگر هستند. به بیان دیگر امور عقلانی همبستگی معنی‌داری با کارآمدی و تعادل دارند؛ زیرا کارآمدی با استفاده بهینه از منابع در دسترس سازگاری دارد و این با رفتار عقلانی پیوند دارد. در موضوع کارایی در گزاران فرض می‌کنند بازارهایی برای کالاها و خدمات مختلف وجود دارد، این بازارها از انباشت بنام قیمت استفاده می‌کنند، قیمت‌ها بیانگر ارزش‌دهی‌های خریداران و فروشندگان هستند که در نهایت با هزینه‌های تمام‌شده [نهایی] بنگاه‌ها و مطلوبیت‌های خانوارها و منافع تمام‌شده [نهایی] قابل انطباق هستند. در این صورت است که منابع هدر نمی‌روند (یعنی کارآمدی فنی محقق می‌شود) و منابع مورد نظر هم به خوبی توزیع می‌شوند (کارایی تخصیصی). وقتی کارایی فنی و کارایی تخصیصی حاصل می‌شود درواقع (با فرض ثبات سایر شرایط) کارایی اقتصادی ایجاد گردیده است. فرض می‌شود که در بازارهای مورد نظر زمینه رقابت کافی و امکان تبادل آزادانه محصول‌های

عرضه شده وجود دارد و بر اساس ترجیح‌های خریداران و فروشندگان و مرتبط با درجه‌های گوناگون رفتار عقلانی آن‌ها، در نهایت معامله‌هایی صورت می‌گیرد که هر دو طرف خرید و فروش و همچنین کارگزار ناظر بی‌طرف [دولت] به حداقل رضایت‌مندی مورد نظر می‌رسند. نقش عنصر قیمت و روح آزاد حاکم بر بازار در رساندن سیستم مربوطه به تعادل و نوعی ثبات نسبی اثرگذار می‌باشد. در صورت ایجاد تعادل برای سیستم‌ها و واحدها و رسیدن به یک نوع پایداری نسبی و با فرض ثبات سایر شرایط درواقع نوعی رضایت‌مندی برای کلیه کارگزاران درگیر در مبادله‌های مورد نظر حاکم می‌گردد. اینجا است که گویی عناصر مختلف تحلیل اقتصادی جایگاه استاندارد خود قرار می‌گیرند. به گونه‌ای که توجه به قواعد بازی، عقلانیت، کارآمدی و تعادل در رفتار کارگزاران و در سیستم‌ها و مکانیسم‌های مربوطه قابل درک می‌باشد. این وضعیت با فرض ثبات سایر شرایط، یکی از میوه‌های بسیار ارزشمند علم اقتصاد است که نهایتاً برای اکثر مردم رفاه و زمینه آسایش فراهم می‌سازد.

۸. یک سری عوامل کمکی و بازو از کارکردی برای پیشرفت استاندارد عناصر عقلانیت، کارآمدی و تعادل مطرح هستند که توجه به آن‌ها کلیدی است. توجه به پدیده تبادل الزامی (یا پدیده بده بستان الزامی)، داشتن جهان‌بینی علمی و کارشناسی برای سیاست‌گذاران، توجه به تجزیه و تحلیل جامع هزینه فایده و دقت در هزینه فرصت‌های ازدست‌رفته از جمله این‌ها هستند. در ضمن، فرض وجود بازار کارآمد و مرتبط با آن تمرکز قیمت در تخصیص منابع در این ارتباط مورد تأکید است؛ به عبارت دیگر جهت کارکرد همه جانبه هر چه موفق‌تر رفتار عقلانی و اثر بخشی هر چه بیشتر کارآمدی و نقش سازگار تعادل، مناسب است که افراد و سیستم‌های مرتبط با آن‌ها به قواعد، تکنیک‌ها و پدیده‌های کمکی پیش‌گفته توجه کنند. این مجموعه درواقع حلقه اول و دسته اول از کمربندهای ایمنی برای سلامت نظام اقتصادی را تشکیل می‌دهند.^۱ همه این امور و عناصر و لوازم مربوطه (کمربندهای ایمنی) را نیز می‌توان هم به صورتی اثباتی (و بر اساس واقعیت‌های رفتاری) ملاحظه کرد و هم به شکل هنجاری (و توصیه‌ای

۱. حلقه‌های دوم و سوم کمر بند ایمن ساز شامل عوامل مکمل توسعه (از جمله یک سلسله لوازم سازمانی، نهادی و مدیریتی) و یک سری عناصر شبه زبانی هستند که در قسمت‌های پایانی این نوشته تبیین می‌گردد.

و بر مبنای باید‌ها و نبایدها) مورد توجه قرار داد (در ادامه در ارتباط با برخی عناصر حلقه اول توضیح بیشتری داده می‌شود).

۹. منظور از پدیده تبادل الزامی (یا بده بستان الزامی)، آن است که با فرض ثبات سایر شرایط برای داشتن مقدار بیشتری از یک مورد، باید مقداری کمتری از مورد دیگر داشت؛ به عبارت دیگر منابع محدود و کمیاب بوده و می‌توانند برای تحقق هدف‌های معین و محدودی بکار گرفته شوند. از این رو اگر قرار باشد از طریق اختصاص منابع به تأمین یک هدف توجه بیشتری شود، به‌ناچار بایست برخی منابع اختصاصی به هدف دوم صرف‌نظر شود. فرض کنید دو دسته هدف‌گذاری زیر در یک کشور مورد توجه است؛ یکی توسعه در بسته بهداشت، آموزش و اشتغال است و دسته دوم پیش‌برد اهداف نظامی خاص. بدیهی است که اگر مقام‌های حکومتی بخواهند بخش عظیمی از منابع کشور را به دست پیشرفت اهداف نظامی بکار بندند، امکان پیشرفت کافی در بسته بهداشت، آموزش و اشتغال وجود نخواهد داشت. این نمونه‌ای از تبادل الزامی است.

درک دقیق پدیده «تبادل الزامی» - برخلاف آنچه به آثار آن برای مدیران ارشد یک کشور بسیار اساسی است. یک دولت بلندپرواز و مقتدر تنها به صرف ممکن است دنبال تحقق اهدافی نظامی یا تبلیغاتی باشد و لذا با اختصاص منابع اصلی کشور در آن اهداف، به پیشرفت‌هایی نیز در آن راستا نائل گردد؛ اما این دولت دیگر نخواهد توانست دشواری‌های بهداشتی کشور را حل و فصل کند، پیشرفتی در دانش و آموزش عمومی داشته باشد، تسکین بیکاری را حل کند و مانند آن. این منطق تبادل الزامی است که قاعده‌ای عقلانی، دقیق و راهگشا است.

۱۰. اگر مدیر و یا سیاست‌گذاری از نوعی جهانی‌بینی عمیق و کارآمدی برخوردار باشد، با دعوت از برجسته‌ترین کارشناسان و با توجه به تجربه‌های عظیم جهانی و وابستگی به تئوری‌های علمی در مورد برنامه‌های مورد نظر اولویت‌بندی خواهد کرد. بر اساس این منطق علم اقتصاد، دولتی که بر نوعی برنامه خاص نظامی هدف‌گذاری می‌کند، پس از بررسی‌های تئوریک، حداقل آثار بمباران هیروشیما و ناکازاکی را در ژاپن در نظر می‌گیرد، تجربه انفجار اتمی چرنوبیل شوروی سابق و سونامی سال ۲۰۱۱ ژاپن را مطالعه می‌کند و با توجه به آن‌ها تصمیم می‌گیرد (بمباران هسته‌ای در شهر هیروشیما و ناکازاکی در سال ۱۹۴۵ موجب مرگ بین ۱۵۰ تا ۲۴۰ هزار نفر گردید. همچنین مشهور است که حادثه اتمی چرنوبیل نیز در سال ۱۹۸۶ در اوکراین آن‌چنان

تخریب گر بوده که آثار آن تا سال ۲۰۰۴ میلادی، یعنی حدود ۲۰ سال بعد، ادامه داشته و به دلیل بروز آن حداقل ۹۸۵ هزار نفر دچار سرطان و در نتیجه مرگ زودرس شده‌اند. سونامی هسته‌ای همراه با زلزله در ژاپن در سال ۲۰۱۱ در مرکز هسته‌ای فوکوشیما حداقل بیش از ۱۶ هزار نفر کشته و ۶ هزار نفر زخمی و ۵ هزار نفر مفقود بر جای گذاشت.^۱ اگر مدیریت ارشد کشورها از نوعی جهان‌بینی کاسب‌کارانه، جنگ‌طلبانه و افراطی برخوردار باشد، همواره تصمیماتی غیر عقلانی، ضحالی‌انگیز و پرهزینه اتخاذ می‌کند و کشور و ملت را به وادی فقر و بلا می‌کشاند؛ اما اگر مدیریت از جهان‌بینی علمی و متعادل برخوردار باشد برای کشور و ملت خود رفاه و سعادت فراهم می‌آورد.

۱۱. تجزیه و تحلیل جامع هزینه - فایده و هزینه فرصت از دست رفته نیز تکنیک‌های ارزیابی دیگری هستند که اقتصادسازان می‌دهند و می‌توانند در تحلیل رفتار کارگزاران دیگر رشته‌ها نیز بکار روند. منظور از تکنیک آن است که افراد حقیقی یا حقوقی از جمله کارگزاران^۲ رشته‌های مختلف با توجه به برآورد هزینه‌ها و منافع پروژه‌های مختلف، به تصمیمی اقدام می‌نمایند که دارای بیشترین منافع و کمترین هزینه‌ها^۳ ممکن باشد. کاربرد عبارت «جامع» در تکنیک مربوطه به معنای فراگیری هزینه‌ها و منافع مادی و غیرمادی می‌باشد. چون در رویکرد ارتدکسی بیشتر، منفعت‌ها و هزینه‌های مادی و کوتاه‌مدت در نظر گرفته می‌شود. به عنوان مثال در انتخاب بین اختصاص منابع، به گسترش بهداشت و آموزش یا ساختن یک سو و فعالیت‌های بلندپروازانه نظامی از سوی دیگر، دولتی‌ها کلیه هزینه‌ها و منافع هر دو خط مشی را ارزیابی می‌کنند و بر اساس آن‌ها تصمیم می‌گیرند. آن‌هایی که رفتار عقلانی^۴ دارند ممکن است بدون توجه به هزینه‌ها و یا بدون توجه به منافع و یا بدون رعایت اصول کارشناسی^۵ مربوط به آن‌ها تصمیم‌گیری نمایند. هزینه‌ها و منافع پیش‌گفته تنها مادی و پولی نخواهند بود بلکه شامل طیف وسیعی از عناصر پولی، مادی، اخلاقی، معنوی کوتاه‌مدت و بلندمدت می‌باشد. بدیهی است

۱. نخست‌وزیر ژاپن هنگام انفجار هسته‌ای فوکوشیما (۲۰۱۱) مدعی شد که از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون (پس از حادثه هیروشیما و ناگازاکی) این انفجار بدترین واقعه در ژاپن بوده است.

۲. در اقتصاد به خانواده‌ها، بنگاه‌ها و دولتی‌ها، کارگزاران اقتصادی گفته می‌شود. هر رشته می‌تواند کارگزاران خود را دارا باشد که در مواردی با دیگر کارگزاران هم‌پوشانی دارند و در مواردی هم مخصوص به رشته خاصی هستند.

سیاست گذار با رفتار عقلانی در مثال قبلی با توجه به تکنیک هزینه - فایده بجای اقدام به برنامه بلندپروازانه نظامی، منابع را در راستای افزایش رفاه و پیشرفت علمی و ایجاد اشتغال بکار می برد تا هم رضایت مردمی را بالا برد و هم از خطرات بالقوه برنامه مربوطه جلوگیری کند. برعکس یک مدیر غیر شایسته و با رفتار غیر عقلانی، برنامه یاد شده اولویت می بخشد و خطرات بالقوه مرتبط به آن را برای جامعه خود و در سطح بین المللی خریداری می نماید.

در کنار تجزیه و تحلیل هزینه - فایده توجه به هزینه فرصت های از دست رفته از دیگر لوازم استحکام موثقت کارکردی عقلانیت و کارآمدی محسوب می گردد. درک این موضوع به معنای این است که هر نوع تصمیم سازی مثلاً برای تحقق هدفی مثل «الف» از نظر اقتصادی در برگیرنده از بین رفتن برخی منافع می باشد که می توانست برای تحقق هدف دیگری مثل «ب»، بکار رود و بی حال (به بیان انتخاب وضع الف)، از دست رفته است. فرض کنید درآمد حاصل از فروش ۱۰ بشکه تسلیح خام به طایفه بالقوه توان تحقق دو هدف را دارا باشد. از یک طرف بتواند باعث خرید یا تولید یک عاقل موشک جنگی شود و از سوی دیگر بتواند از طریق سرمایه گذاری مولد، ۵ نفر را شاغل سازد. حال اگر مقام های دولتی کشور مورد بحث، نفت کشور را برای موشک اختصاص دهند، گفته می شود هزینه فرصت از دست رفته تصمیم مربوطه، برابر با ایجاد ۵ فرصت شغلی می باشد؛ زیرا کشور مورد نظر که اقدام به افزایش یک موشک جدید کرده فرصت اشتغال یابی یاد شده را از دست می دهد. توجه به هزینه فرصت یعنی انجام مطالعات کارشناسی دقیق و مقایسه هزینه ها و منافع مربوطه و اتخاذ تصمیم عقلانی به جهت کسب بیشترین منافع و کمترین هزینه می باشد؛ بنابراین هر نوع اقدام، دارای میزان هزینه فرصت می باشد. اقدامی که با فرض ثبات سایر شرایط کمترین هزینه فرصت از دست رفته را دارا باشد، بهترین تصمیم خواهد بود. در ضمن فرض ثبات سایر شرایط در علم اقتصاد نیز یک فرض عقلانی در دارسازی می باشد؛ زیرا از لحاظ علمی به معنای فرض تحقق یک سری شرایط استاندارد می باشد که برای کارکرد نظریه ها و سیاست ها لازم است. به طور معمول پذیرش این فرض به معنای وجود بسترهای استاندارد کافی برای شکل گیری مطلوب کردارها، پندارها و گفتارهای کارگزاران مختلف محسوب می گردد؛ یعنی در صورتی که شرایط استاندارد حاکم باشد، کارکرد تئوری اقتصادی چنان خواهد بود. البته رویکردهای میانه اقتصاد متعارف تلاش دارند که فرض های مربوطه غیر واقعی نباشند، اما رویکرد ارتدکس به دلیل اصرار بر فرض های غیر واقعی، مورد انتقاد است. با